

عناصر تشکیل دهنده بزه صدور

چک پرداخت نشدنی

«قسمت اول»

سید عباس جزایری فارسانی
کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

چک مصوب ۱۳۵۵ اصلاحی آبان ۱۳۷۲ و بهمن ۱۳۷۵ به همراه مواد مربوط به چک در قانون تجارت و آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور، ادبیات قانونی بزه چک پرداخت نشدنی را تشکیل می‌دهند. در قانون چک موادی که بیان حکم نموده برای تخلف از حکم وضع ضمانت اجرا نموده‌اند مخدوش می‌باشند که در بحث از عنصر مادی خواهد آمد.

جرم چک پرداخت نشدنی جز در بزه، موضوع ماده ۱۳ خود از نظر عنصر قانونی مرکب بوده حکم قانونی و ضمانت اجرای آن بعضاً در بیش از یک ماده مذکور است.^(۱) از آنجا که قلمرو قوانین جزایی محدود به مرزهای هر کشور بوده در خارج از آن قلمرو اعتباری ندارد (جز در موارد استثنایی مربوط به نظم سیاسی، اقتصادی، تمامیت ارضی و حمایت از تبعه). پرسش مقدر این است که موقعیت ماده ۸ قانون چک نسبت به این قاعده چگونه است؟

ماده ۸ قانون چک، صراحتاً چک‌هایی که در ایران بر عهده بانکهای واقع در خارج صادر شده و منتهی به گواهی عدم پرداخت گردیده است، اعم از اینکه بانک محال علیه

صدور چک بلامحل است. زیرا فرقی نیست بین موردی که صادرکننده بدو بدون محل چک صادر کند و موردی که ابتدائاً چک را صادر نماید و متعاقب آن به بانک دستور عدم پرداخت بدهد. تعریف مزبور علی‌رغم ایجاز آن به لحاظ جلب نظر قانونگذار و به لحاظ فلسفه جرم، از دیگر خصوصیات یک تعریف خوب نیز برخوردار است. بعلاوه از تعریف فوق، ضرورت وجود رابطه علیت بین عمل صادرکننده و عدم پرداخت نیز مستفاد می‌گردد.

همچنین صدور چک بلامحل عبارت است از: «تخلف شخص نسبت به تکلیف تأمین اعتبار پرداخت چکی که صادر نموده است. این تعریف نیز صرفنظر از اینکه نظریه علت عدم پرداخت دارد از تعریف قبلی قابل استفاده است.»

گفتار دوم - رکن قانونی

مطابق آنچه در حقوق کیفری از آن به عنوان اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها تعبیر می‌شود، برای جرم شناختن یک عمل، ذکر ممنوعیت و بیان حرمت آن به همراه وضع ضمانت اجرای دزخوری توسط مقتن ضروری می‌باشد. لذا در مانحن فیه نیز نیازمند حکم قانونی می‌باشیم. در این خصوص مفاد قانون

چک پرداخت نشدنی به لحاظ ماهیت مجرمانه آن دارای تعریف، عناصر قانونی، مادی، معنوی و مجازات است که این عناصر و اجزای اباتوجه به قانون چک و دیگر مقررات موجود به طور اجمال از نظر می‌گذرانیم.

گفتار اول - تعریف

برای قاضی ضروری است که از هر جرم یک تعریف قضایی در دست داشته باشد. تعریفی که جامع اوصاف و شرایط آن باشد و به عنوان یک قالب و چهارچوب برای تعیین جرم بودن یک عمل مورد استفاده قرار گیرد. قانونگذار چک در هیچکدام از مواد خود تعریفی از این جرم ارائه نمی‌دهد، بلکه در هر مورد شرایط و خصوصیات آن را بر می‌شمارد. نظریه فقدان تعریف قانونی، جرم صدور چک پرداخت نشدنی را می‌توان صدور چک عهده بانک (نه مؤسسات دیگر) توسط صاحب حساب (نه شخص دیگر) دانست به نحوی که به هر علتی که از جانب او ناشی شده است در سر رسید یا قبل از آن پرداخت نشود.

تعریف فوق شامل کلیه جرایم مذکور در قانون چک مانند چک مخدوش، بلامحل، صادره از حساب مسدود، وعده دار و غیره می‌شود. دادن دستور عدم پرداخت نیز مانند

ایرانی یا خارجی باشد را از لحاظ کیفی مشمول مقررات قانون چک دانسته است. این امر اعم از اینکه نقش عدم پرداخت بانک را

در مرحله شروع به جرم است و تحقق نتیجه جرم را تام می نماید. اما در جرم جعل که ساختن نوشته یا چیز دیگر برخلاف حقیقت و

جرم صدور چک پرداخت نشدنی همانند کلاهبرداری و دیگر جرایم می دهد از جرایم علیه اموال محسوب و موضوع آن مال متعلق به غیر است.

کاشف یا ناقل بدانیم مطابق اصول و قواعد است. زیرا در هر صورت کل یا جزئی از جرم در ایران واقع گردیده است و خارجی یا ایرانی بودن بانک محال علیه تأثیری در صلاحیت قانون ایران نخواهد داشت.

این جرم قبل از انقلاب و در زمان حکومت قانون مجازات عمومی سابق جنبه بود و جرم بودن شروع به آن نیاز به تصریح مفتن داشت. در سیستم فعلی با حذف مفهومی شروع به جرم منحصرأ شروع به جرم زمانی جرم و قابل مجازات است که خود مستقلاً عنوان مجرمانه ای داشته باشد. به هر حال جز در مصادیقی که قانونگذار به طور موردی در ذیل هر جرم شروع به آن رانیز جرم دانسته است، در دیگر جرایم منجمله جرم صدور چک پرداخت نشدنی شروع به جرمی متصور نخواهد بود.

اصولاً شروع به جرم و جرم تام منحصرأ در رکن مادی یعنی حصول یا عدم حصول نتیجه متفاوت اند و از لحاظ رکن معنوی تفاوتی بین این دو نمی باشد.

در جرایمی که عنصر مادی آنها بسیط است، شروع به عملیات اجرایی و در جرایمی که عنصر مادی آنها مرکب است انجام جزیی از عنصر مادی شروع به جرم را محقق می گرداند. در بزه قتل، عنصر مادی متشکل از فعل و نتیجه است و حصول جرم تام قتل، منوط به تحقق نتیجه سلب حیات است. در صورت انجام فعل و عدم حصول نتیجه شروع به جرم محقق است. در جرم کلاهبرداری نیز تازمانی که نتیجه یعنی بردن مال غیر به عمل نیامده است،

به ضرر غیر است دو حالت قابل تصور است، یا اینکه نوشته را می سازد و یا خیر. در صورت ساخت، جرم محقق است و الأ فلا. بنابراین در چنین جرمی که عنصر مادی آن ساده است، شروع به عملیات اجرایی شروع به جرم است. (۲) در فرانسه مواد ۶۶-۶۷ و ۶۹ تصویب نامه قانونی ۱۳۰ اکتبر ۱۹۳۵ اصلاحی سوم ژانویه ۱۹۷۵ قانون ۳۰ دسامبر ۱۹۹۱ و قانون ۲۲ مه ۱۹۹۲ ادبیات قانونی این جرم را تشکیل می دهند.

گفتار سوم - رکن مادی

در عنصر مادی که انعکاس عمل مرتکب می باشد به ترتیب مطالبی را در مورد موضوع جرم، مرتکب و دیگر شقوق مداخله در جرم مانند معاونت و شرکت در جرم، خصوصیت مرتکب و مجنی علیه عمل و صورت فعل مرتکب، تأثیر وسیله و نتیجه در وقوع جرم رایان می نماییم. مع هذا قبل از ورود به بحث توضیح این مطلب ضروری می نماید که قانون چک اصلاحی ۱۳۷۲ منحصرأ قصد حمایت از چکهای عادی مذکور در بند اول ماده ۱ قانون فوق را دارد و بیان دیگر انواع چک در این ماده علی رغم آنچه برخی تصور می نمودند به معنی آن نیست که مقنن در مانحن فیه قصد حمایت از چنین چکهایی را داشته است. چرا که این قبیل چکها بنا بر دلایل عدیده پیش از آنکه چک جانشین اسکناس باشند، خود اسکناس می باشد. بنابراین هرگونه سوء استفاده، جعل و کلاهبرداری به وسیله این قبیل چکها، داخل در عنوان کلی این جرایم بوده و به طریق آولی صدور دستور عدم پرداخت در این چکها

به فرزند نامشروع کلی ۱۲ این فرزند من است و برادر نام مرا به نکاح خود یعنی در آورده و این پدر از او به وجود آمده چنان که رشد کرده و به سن جوانی رسیده به من آمد کردند او را فرزند خود نامند، این پدر من است و نام پدایش شهر می باشد آنگاه دست جوان را گرفت و به راه افتاد.

صدور دستور عدم پرداخت نمود او به سلامت می رسد. در مورد کلاهبرداری در عهد خلافت عمر همراه خلافت بر این زیارت خلفه خدا براه افتاد. تمام دریا را خلافت مرتکب شد، آفتابش او را تکب زد، تمام برادر چهره شد و رفت، از من تمام تو بوسم بلکه تو تمام من هستی، فلاح وجدان بین آنان در گرفت، هر یک خود را آقا و دیگری را برده می خواند و می گفت دین من را در کوفه ترا خود می برم تا او را کوفه شدند و نزد علی را رفتند، غایب گشت و این تمام من است خلافت مرتکب شد او را تکب زد، سحر و جادو گشت دروغ می گوید، او شکم من است، پدرم سزا بنا او فرستاد تا راهش را باشد، حالا افسوس آفتاب می کشد تا تمام را بخورد، هر یک برده های خود می خواند، علی گفت، بگریه و اشک با هم آفتاب کنید و فریاد کنید می آید، حقیقت را بگویند، با هم ندان می به شیر دستور داد دو سوراخ در دیوار در کوفه، آفتاب با آمد و آن دیوار را خرد شدند مردم دیوار آمدند، علی آنها را خواست و رفت، چه می گویند؟ هر یک جسم پیدا کردند که او آقا و دیگری پادشاه است، علی گفت، برخیزید که راست نگفته، بوی می تر آفتاب سورش را در این سوراخ در دیوار دید دیگری گفت، صورت را در سوراخ دیگر کن و به شیر گفت، همیشه را باور تا کردن تمام را بزم تمام بود کردن خود را بپورن کشید و دیگری همچنان باقی ماند، علی به او گفت، اگر تو بگویی که تمام نیستی، آفتاب آری، مرا آفتاب زد و به من آمدی کرد، من هم چنین تمام می کشم، حماران او را به آفتابش کرد و بی زاید و سود بود در عهد خلافت عمر بر سر کوفتی ازاج داشتند، هر یک کوچک را بدون شناخت فرزند خود می خوانست، حکم بر همه مشتبه شد و به علی موصول کرده تا حاضرش را از این پیش آمد آسوده سازد، علی با هر دورا خواند و در روزهای داد و از خدا ترس است، ولی انوری به خشم و برزخ خود باقی ماندند، علی چون دید دست از جلال برمی دارند، گفت، از من چه سن به خشم داشتند، راه برای چه می خواهید؟ علی گفت، می خواهم کوچک را به دویم کنم و به هر یک همی از آن بدهم، یکی از آنها در بر این حکم سلامت ماند، ولی دیگری فریاد زد از آن حق خود گذشت و کوچک را به او بخشید، علی با گفت، این کوچک از آن تو است، زیرا اگر فرزند او بود دلت بی حال او می خوانست، لذت به اقتدار آمد و گفت، کوچک فرزند دوست، عمر خود فعال شد و علی را به راستی کشف قلمه دعا گفت.

سالیه به انتفاء موضوع می‌باشد. بر همین مبنا بخشنامه شماره ۱/۱۵۳۹۱/۴ - ۷۳/۸/۱ قوه

این جرم از جرایم با جنبه خصوصی غالب می‌باشد و از آن جا که متعلق به این جرم

از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، صادرکننده

قضائیه بیان می‌دارد: ... به جهت اینکه این سری چکها (شقوق ۲، ۳ و ۴ ماده یک قانون صدور چک

صدور چک بلا محل عبارت است از انتقال شخص نسبت به تکلیف تعیین اعتبار پرداخت چکی که صادر نموده است.

و صاحب حساب متضامناً مسئول پرداخت چک بوده و اجرائیه و حکم

اصلاحی (۱۳۷۲) به منزله اسکناس بوده و حکم اسکناس را دارد، علی‌هذا به جهت گم شدن چنین چکهایی نمی‌توان دستور عدم پرداخت داد و بی‌محل بودن آنها نیز مفهومی ندارد.

شخص نبوده بلکه مالی است که قابل انتقال به ورثه می‌باشد، لذا چنانچه دارنده چک قبل از شکایت فوت گردد ورثه مشارالیه مزایای قانونی را دارا می‌گردند. موضوع فوق در ماده ۱۱ قانون چک تحت عنوان «انتقال قهری» مذکور است به موجب این ماده قائم مقام قانونی، واجد امتیازات قانونی دارنده است. ۲- مرتکب جرم، دیگر شقوق مداخله در بزه (شرکت، معاونت).

ضرر و زیان بر اساس تضامن علیه هر دو صادر می‌شود. باین وجود اگر امضا کنندگان بیش از یک نفر باشند شرکاء در جرم محسوب‌اند و به موجب ماده ۱۷ قانون چک دادگاه مخیر گردیده است که مبلغ وجه الضمان یا ضمانت نامه بانکی را به میزان مسئولیت هر یک از آنان و در صورت معلوم نبودن میزان مسئولیت به تساوی تقسیم نماید، ولی دادگاه اجباری در این امر ندارد. بنا بر نظر به شماره ۷/۱۶۶۲ مورخ ۱۳۸۶/۶/۸ اداره حقوقی: «اگر دو یا چند نفر که دارای حساب مشترکی هستند صادر نمایند همگی دارای مسئولیت کیفری خواهند بود و مجازات هر یک مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود و مطالبه وجه از طریق حقوقی از کسی که امضا نکرده چون

بنابراین چنانکه یکی از دلایل اصلاحات اخیر قانون چک را، شیوع صدور این قبیل چکها توسط بانکهای مجاز بدانیم نیز چندان صحیح به نظر نمی‌رسد. اما از آنجا که اسناد عمل لغو و بی‌فایده به مقنن صحیح نمی‌باشد، علت ذکر این چکها و تعاریف آنها توسط مقنن چه بوده است؟^(۳)

۱- موضوع جرم:

جرم صدور چک پرداخت نشدنی همانند کلاهبرداری و دیگر جرایم که در مقام داد و ستد روی می‌دهد از جرایم علیه اموال محسوب و موضوع آن مال متعلق به غیر است. جرایم علیه اموال و مالکیت از جرایمی می‌باشند که عدم رضایت

جرم صدور چک پرداخت نشدنی از جرایمی است که هر شخص حقیقی یا حقوقی می‌تواند مرتکب آن شود. توضیح اینکه اشخاص حقیقی اصالتاً و اشخاص حقوقی به وسیله نمایندگانشان مرتکب این جرم می‌شوند. لازم به ذکر است که در حقوق جزا اصولاً نمایندگی در ارتکاب جرم

چنانچه دارنده چک قبل از شکایت فوت گردد ورثه مشارالیه مزایای قانونی را دارا می‌گردند.

تعهدی هم در مقابل دارند چک ننموده خالی از وجاهت قانونی است چه

مجنی علیه شرط تحقق جرم است. بنابراین در این جرم نیز همانند دیگر جرائم از این خانواده گیرنده چک باید راضی به عدم پرداخت آن نباشد و قانون چک نیز صراحتاً شرط تعقیب صادرکننده را شکایت ذی نفع قرار داده است. در این جرم به جهت رجحان جنبه خصوصی آن بر جنبه عمومی در هر مرحله قبل از صدور حکم شاکی گذشت نماید، قرار موقوفی تعقیب، صادر و پرونده مختومه می‌گردد. قانونگذار از این هم فراتر رفته و صرف پرداخت یا تودیع وجه را کافی برای صدور قرار فوق دانسته است. به هر حال

پذیرفته نشده است. در مورد چک پرداخت نشدنی به تصریح قانون چک امضاکننده ذیل آن وفق مقررات مسئولیت کیفری خواهد داشت اعم از اینکه اصالتاً اقدام به صدور چک نموده باشد یا به نمایندگی از طرف شخص حقوقی، مگر اینکه ثابت نماید که عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی اوست که در این صورت کسی که عدم پرداخت مستند به فعل اوست مسئول خواهد بود. در عین حال به تصریح ماده ۱۹ قانون چک اصلاحی ۱۳۷۲ در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی

از حساب مشترک باشد وجه غیر آن هرگاه احد از متهمین، تمامی مبلغ چک را تودیع نماید معمولاً به صدور قرار کفالت یا التزام به عدم خروج از حوزه قضایی برای دیگر شرکا اکتفا می‌گردد. لازم به ذکر است که جمع بین وجه الضمان و تأمین خواسته ممنوع است. در هر حال عدم ایداع وثیقه (ضمانت نامه) منجر به بازداشت متهم خواهد شد.

معاونت در کلیه جرایم با جمع شرایطی قابل تصورات است. فراهم نمودن مقدمات ارتکاب جرم چه از نظر ذهنی و چه عملی معاونت می‌باشد. ماده ۲۳ قانون مجازات

● صادرکننده نباید چک را به صورتی تنظیم نماید که بانک به علی از قبیل عدم مطابقت امضا یا قلم خوردگی در متن چک و یا اختلاف در مندرجات چک و امثال آن از پرداخت وجه خودداری نماید

هرگاه در چک امضای صادرکننده موجود باشد، هر چند تحریر آن به وسیله دارنده صورت گرفته باشد رویه قضایی اصل را بر نمایندگی و وکالت در تحریر سند می‌داند. بنابراین در کلیه مصادیق صدور چک پرداخت نشدنی چنانکه خواهد آمد عمل مرتکب به صورت فعل مثبت مادی صدور، ظهور و بروز پیدای کند.^(۴) در مورد صدور چک بدون وجود وجه در بانک و تنظیم چک بصورت مخدوش و نحو آن که چک به وجهی من الوجوه غیر قابل پرداخت باشد، عمل مرتکب برای تحقق صدور چک پرداخت نشدنی کفایت می‌نماید ولیکن جرم بودن آن چنانکه گذشت منوط به فعل ثالث (بانک محال علیه) به صورت عدم پرداخت می‌باشد. عمل مرتکب در موارد فوق الذکر مقارن با تحریر و صدور چک و در موارد صدور دستور عدم پرداخت و خارج کردن وجه از حساب پس از صدور، مؤخر بر صدور چک می‌باشد. لهذا عمل مرتکب که مالا منجر به عدم پرداخت می‌شود در دوزمان محقق می‌گردد.

الف) در زمان اصدار.

ب) بعد از اصدار.

بند الف ماده ۳ قانون چک اصلاحی ۱۳۷۲ تصریح می‌نماید که:

«صادرکننده نباید چک را به صورتی تنظیم نماید که بانک به علی از قبیل عدم مطابقت امضا یا قلم خوردگی در متن چک و یا اختلاف در مندرجات چک و امثال آن از پرداخت وجه خودداری نماید.»

در این رابطه توجه به دو نکته ضروری است: نخست اینکه «نبايد» مذکور در ماده ظهور بر منع قانونی صدور چنین چک‌هایی دارد. دوم اینکه مصادیق مذکور در ماده به دلیل

بحث شود. مع هذا خصوصیت مرتکب یعنی داشتن حساب بانکی (اعم از مفتوح یا مسدود)، شرط تحقق بزه می‌باشد. هرگاه کسی با دسته چک مستعلق به غیر اقدام به اصدار چک پرداخت نشدنی نماید، مورد داخل در دیگر عناوین مجرمانه مانند کلاهبرداری خواهد بود. لازم نیست که مجنی علیه این جرم ویژگی خاصی داشته باشد لذا خصوصیتی در مجنی علیه این جرم شرط نیست. اداره حقوقی وزارت دادگستری در نظریه شماره ۷/۱۸۶ مورخ ۷۲/۲/۲۰ چنین اظهار نظر نموده است: «در صورتیکه امضاء کننده چک که صاحب حساب هم نمی‌باشد، چک را به عنوان چک متعلق به خود به شخص دیگری در مقابل اخذ وجه و گذار نماید عمل وی کلاهبرداری است و مشمول ماده یک قانون مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری می‌باشد و در صورتی که

● جرم صدور چک پرداخت نشدنی (کلاهبرداری به وسیله چک) جرم مادی صرف و دارای عنوان خاص مجرمانه است

صادرکننده چک امضاء صاحب حساب را جعل و شبیه سازی کرده باشد و به این ترتیب تحصیل وجه یا مال نموده باشد مورد از مصادیق جعل و استفاده از سند مجعول می‌باشد. ۴- عمل مرتکب و صورت آن:

صدور چک به معنی تحریر و امضای آن است و امضا، الزاماً می‌بایست توسط صادرکننده به عمل آید چرا که نوشته را بدون امضا چنان که گفتیم اثری نیست. از آنجا که صدور و انشاء سند با امضا محقق می‌گردد در جزائیات عنوانی به نام «سواستفاده از سفید امضاء یا سفید مهر» وجود دارد. علی‌الاحمال

اسلامی مصادیقی را برای معاونت بیان می‌نماید که برخی ناظر به آماده کردن ذهنی مرتکب و برخی ناظر به آماده کردن عملی ارتکاب جرم است. در این موارد وحدت قصد و تبانی بین مباشر و معاون ضروری است. این ماده علاوه بر موارد فوق به دسیسه و صحنه سازی نیز اشاره می‌کند که موارد اخیر نیازی به تبانی و وحدت قصد ندارد. برای تحقق معاونت در یک جرم و... دو شرط لازم است: نخست اینکه آن جرم عمدی باشد. دیگر اینکه بحث قصد و سوءنیت در آن جرم حائز اهمیت باشد. چنانکه در بحث از عنصر مادی خواهد آمد شرط دوم در جرم چک پرداخت نشدنی مفقود است و این جرم از جرایم مادی صرف می‌باشد. اما آیا لازم است که وحدت قصد را ثابت نموده و معاون را مجازات نماییم؟ رویه قضایی موجود، معاونت در این جرم را عملاً تعقیب و مجازات می‌نماید و چنین سابقه ای در تاریخ جرم مزبور در ایران وجود ندارد. مع الوصف معاونت در این جرم (مثلاً پذیرش چک و عده دار توسط دارنده که نوعی تسهیل وقوع جرم است) از نظر تنوری

قابل تصور است اما از لحاظ عملی خیر.^(۴) در فرانسه ارتکاب جرم چک، منحصر به صادرکننده نبوده و بموجب قانون ۳۰ دسامبر ۱۹۹۱ نماینده‌ای که با آگاهی به ممنوعیت بانکی منوب عنه چک صادر می‌نماید کسی که محل چک را به قصد اضرار غیر خالی می‌نماید و همچنین دریافت کننده و ظهر نویس چنین چکی حسب مورد مجرم و قابل مجازات خواهند بود.^(۵)

۳- خصوصیت مرتکب:

چنانکه شرح آن گذشت هر شخص حقیقی یا حقوقی می‌تواند مرتکب بزه مورد

ذکر و امثال آن، محصری نبوده و تمثیلی می‌باشند. زمینه عنصر مادی محقق است، صدور چک

بند ۱ ماده ۴۰۵ قانون جزای عمومی آن کشور رادربی دارد.

بعد از اصدار چک عمل مرتکب به دو صورت قابل تحقق است:

الف) خارج نمودن تمام یا جزء وجهی که به اعتبار آن اقدام به صدور چک نموده است.

ب) صدور دستور عدم پرداخت چک به بانک محال علیه.

در مورد نخست به هنگام صدور چک وجه در حساب موجود بوده است. ولیکن علت عدم پرداخت خارج کردن وجه چک کلاً یا جزئاً، مباشرتاً و یا توسط غیر بانک می‌باشد. بنابراین برای اخراج وجه از بانک سه فرض قابل تصورات است:

- خارج کردن وجه از بانک وسیله ذی‌حساب

- خارج کردن وجه از بانک وسیله ثالث عالم.

- خارج کردن وجه از بانک وسیله ثالث جاهل توضیح این که: گاه موجودی حساب

صادرکننده چک بدون علم و اطلاع و یا دخالت و تبانی او یا ثالث از بانک خارج می‌شود. مانند

اینکه زوجه صادرکننده چک بدون علم و اطلاع همسرش مبادرت به توقیف و یا خارج نمودن مهریه خود از طریق اجرای ثبت

از حساب وی می‌نماید. گاه نیز صادرکننده باتبانی باشخص ثالث به عنوان اینکه وی از

صادرکننده طلب لازم الاجرائی دارد اقدام به خارج نمودن وجه چک می‌نماید. فرض

دیگر آن است که ذی‌حساب شخصاً اقدام به خالی نمودن حساب می‌نماید. در تمامی

فروض بالا عملاً صادرکننده، مجرم قابل تعقیب است و تفاوتی بین صادرکننده باحسن نیت و دارای سوء نیت نیست. اما عنوان قانونی

کسی که باتبانی و همکاری صادرکننده اقدام به خالی نمودن حساب می‌نماید چیست؟

ثالث جاهل وسیله محسوب می‌شود و کسی که به ثالث دستور اخراج وجوه را از

بانک داده است یعنی ذی‌حساب، مباشر محسوب می‌باشد. اگر ثالث عالم باشد اقدام به

صادرکننده چک یا ذینفع یا قائم مقام قانونی آنها با تصریح به اینکه چک مفقود شده یا سرقت یا جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرائم دیگر تحصیل گردیده می‌تواند کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد.

بدون داشتن محل یا کسر موجودی است. به تصریح قانون چک محل اعم است از وجه نقد یا اعتبار قابل استفاده و این امر یعنی فقدان

محل مربوط است به عمل مرتکب و نه ثالث. نداشتن محل به دو صورت قابل تصورات است:

الف) فقدان کل وجه.

ب) فقدان جزء وجه.

جرم صدور چک پرداخت نشدنی از جرایمی است که نسبت به میزان موجودی تفکیک پذیر و قابل تجزیه است. در مورد شق اخیر

یعنی کسر موجودی به تصریح ماده ۵ قانون

صدور چک بعنوان تضمین یا تأمین اعتبار یا مشروط وعده دار یا سفید امضا ممنوع است

چک اصلاحی ۱۳۷۲ در صورت تقاضای دارنده چک (اولین آورنده چک به بانک که

مشخصات او در ظهر چک قید شده است)، بانک با اخذ لاشه چک مبلغ موجود در حساب

صادرکننده را پرداخت نموده نسبت به مابقی گواهی عدم پرداخت صادر می‌نماید. در این

مورد گواهی‌نامه بانک چنان‌که اصل چک خواهد بود. چنان‌که در مبحث مجازات

خواهد آمد، میزان کسر موجودی در میزان مجازات موثر است.

صدور چک با علم به انسداد حساب نیز از مواردی است که زمینه عنصر مادی جرم را

حین صدور محقق می‌گرداند. در فرانسه بموجب ماده ۶۹ تصویب نامه قانونی ۱۳۰ اکتبر

۱۹۳۵ اصلاحی ۱۹۷۵ صدور چک با علم به انسداد حساب مجازات کلاهبرداری موضوع

امضا در چک از شرایط اساسی صحت صدور آن است و اصولاً هر سند دال بر اشتغال

ذمه زمانی واجد اعتبار است که به امضای صادرکننده و مدیون رسیده باشد. امضای

چک قبول تعهد و دین محسوب می‌گردد. هر چند واقعاً اشتغال ذمه و دینی وجود نداشته

باشد. از آنجا که به هنگام افتتاح حساب، ذی‌حساب نمونه امضای خود را در اختیار بانک

قرار می‌دهد، بانک تنها در صورت تطابق امضای روی چک با نمونه امضای موجود

در بانک در حدود عرف بانکداری، مجاز

در پرداخت وجه چک می‌باشد. بنابراین در صورت عدم تطابق امضای صادرکننده

با امضای موجود در بانک هرگاه منجر به عدم پرداخت آن گردد عنصر مادی جرم مزبور

محقق است. مورد دیگر صدور چک به نحوی است که

مندرجات آن مختلف باشد. مصداق بارز این اختلاف عدم تطابق مبلغ به حروف و به ریال

و یا اختلاف بین تاریخ به حروف و به عدد می‌باشد. از آنجا که بانک تکلیفی در رسیدگی

به صحت و سقم مندرجات چنین چک‌هایی را ندارد، در صورتی که صادرکننده خط

خوردگی یا اختلاف را تصدیق و تصحیح ننماید بانک از پرداخت چک خودداری

خواهد نمود. دیگر از مواردی که در چک حین صدور

اخراج وجه از بانک نماید در قانون پیش بینی نشده است. عمل معاونت معذور نیست چرا که مؤخر بر عمل مرتکب صورت گرفته است. بنابراین شرکت در جرم است. ولی قانونگذار صرفاً قصد مجازات صادر کننده را داشته است. صرف نظر از اینکه چنین شریکی را رویه قضایی مستوجب مجازات نمی‌داند برای مجازات مشارالیه منع قانونی وجود ندارد. از آنجا که جرم صدور چک پرداخت نشدنی در این شق از عنصر مادی مرکب است و خارج کننده جزئی از فعل را مرتکب شده است شریک در جرم می‌باشد. مخالفین استدلال می‌نمایند که اولاً شرط شمول مقررات قانون چک ذی حساب بودن است، حال آنکه خارج کننده حساب بانکی ندارد. ثانیاً چنین همکاری در صدور چک نقشی نداشته است. این نظر خالی از ایراد نیست. چرا که این جرم به صورت نمایندگی نیز محقق می‌گردد. مثلاً هرگاه کسی وکالتاً چک صادر نماید و اصل وجه چک را خالی نماید ذی حساب مجرم است هر چند در صدور چک نقشی نداشته است. به هر حال شریک در مفهومی که ذکر شد عملاً مجازات نمی‌گردد.^(۷)

در همین موضوع، چنین عنوان شده است که اگر صادر کننده چک عملاً وسایلی فراهم کند که به طور غیر مستقیم و به وسیله دیگری وجه چک را از بانک خارج نموده و یا وجه چک توسط مقامات قضایی و اجرایی توقیف گردد، در چنین حالتی با جمع عناصر لازم برای جرم کلاهبرداری از نظر تبانی با شخص ثالث و توسل به وسایل تقلبی، مرتکب به عنوان کلاهبردار قابل تعقیب است. مثلاً چنانچه صادر کننده برای تحصیل مال دیگری مبادرت به توسل به وسایل تقلبی نموده و یا تبانی شخص ثالث چنین وانمود کند که در حساب جاری خویش دارای محل اعتبار می‌باشد و یا تبانی شخص ثالث در جهت بلوکه شدن وجه چک اقداماتی نماید و دارنده که به امید دریافت چک بوده مالی را از دست داده باشد، عمل صادر کننده کلاهبرداری و عمل ثالث معاونت موضوع بند ۳ ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی و

قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری می‌باشد^(۸) پذیرش این نظر که تأکید بر سوءنیت صادر کننده چک و یا فقدان آن دارد به جهات ذیل محل تردید است: جرم صدور چک پرداخت نشدنی (کلاهبرداری به وسیله چک) جرم مادی صرف و دارای عنوان خاص مجرمانه است. بنابراین صرف نظر از وجود سوءنیت با فقدان آن قابل تعقیب و مجازات است و محکمه نیز تکلیفی در احراز آن ندارد. چه اینکه صادر کننده بدو چک را خالی الوجه صادر نماید وجه اینکه بعداً "مباشرتاً" یا با

برای عدم پرداخت آن کافی است. در این مورد قانونگذار برای اینکه حقی از دارنده توضیح نگردد بانک را مکلف نموده است که وجه چک را تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی کننده و یا انصراف دستور دهنده در حساب مسدودی نگهداری نماید. در صورت عدم اثبات این که چک به علت مجرمانه در دست دارنده قرار گرفته است، همچنین در مواردی که بدون ذکر علت دستور عدم پرداخت می‌دهد، مادامیکه ۱۴۰۷ اعمال شده و دستور دهند مکلف به جبران کلیه خسارات وارده بر دارنده چک می‌باشد تبصره ۲ ماده ۱۴ فوق لا ذکر دستور دهنده را مکلف می‌نماید که پس از اعلام به بانک

کلاهبرداری به وسیله چک از جرایمی می‌باشد که وسیله و چک به شرط تحقق جرم می‌باشد

شکایت خود را به مراجع قضایی تسلیم و حداکثر ظرف یک هفته گواهی تقدیم شکایت خود را به بانک تسلیم نماید. در غیر این صورت پس از انقضای مدت مذکور بانک از محل موجودی به تقاضای دارنده چک وجه آن را پرداخت خواهد نمود.

از جمله اقدامات قانونگذار در اصلاحات ۱۳۷۲ حذف ماده ۱۲ قانون ۱۳۵۵ و جانشین نمودن ماده ۱۳ به جای آن است. ماده ۱۳ مورد بحث اشعار می‌دارد:

«صدور چک بمنوان تضمین یا تامین اعتبار یا مشروط وعده دار یا سفید امضا ممنوع است...»

در مورد این که اصولاً چک اصولاً چک وعده دار مذکور در ماده ۱۳ جدید التصویب به چه معناست برخی اساتید ایراد نموده‌اند که صدور چک مؤخر بر تاریخ تحریر وعده دار نمی‌باشد بلکه چک وعده دار چکی است که علاوه بر تاریخ فوق تاریخ دیگری مؤخر بر آن تاریخ در ورقه چک برای پرداخت تعیین گردد.^(۹)

چنین تفسیری علاوه بر اینکه خلاف منظور مقنن است با توجه به رویه قضایی و آراء دیوان عالی کشور نیز قابل دفاع نیست و چنین تفسیری عملاً نتوانسته است طرفداران زیادی داشته باشد. زیرا وعده دار بودن ممکن است ظاهر باشد و یا مکتوم و ماده ۱۳ موصوف نیز هر دو را در بر می‌گیرد.

مداخله ثالث اعم از جاهل یا عالم حساب را خالی نماید. در هر صورت عمل مرتکب از مصادیق بارز صدور چک پرداخت نشدنی است و عمل ثالث علم نیز شرکت در این جرم است که رویه قضایی عملاً آن را مستوجب مجازات نمی‌داند.

مورد دوم از موارد عمل مرتکب بعد از صدور چک، صدور دستور عدم پرداخت می‌باشد. هر چند در راستای حمایت از چک بمنوان جانشین اسکناس، نمی‌توان پس از صدور چک مانع پرداخت آن گردید، مع هذا استثنائاً و به منظور حمایت از صادر کننده ماده ۱۴ قانون چک اصلاحی ۱۳۷۲ بیان می‌دارد: «صادر کننده چک یا ذینفع یا قائم مقام قانونی آنها با تصریح به اینکه چک مفقود شده یا سرقت یا جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرائم دیگر تحصیل گردیده می‌تواند کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. بانک پس از احراز هویت دستور دهنده از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارائه چک، بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر و تسلیم می‌نماید...»

بنابراین صرف دستور کتبی افراد فوق الذکر و احراز هوست دستور دهنده توسط بانک

متأسفانه بسیار دیده می شود که افراد بدون سرمایه و سودجو به سادگی با افتتاح حساب جاری در بانکهای متعدد و صدور چکهای وعده دار واخذ وجه یا کالایی در مقابل آن، چکهای خالی الوجهی را به افراد داده و ناگهان متواری شده و از شهر و کشور خارج شده، لطعات جبران ناپذیری را به اعتبار چک وارد می نمایند. شاید عنوان شود که پذیرفتن وصف مجرمانه برای صدور چک وعده داری که با شکایت ذی نفع قبل از سررسید پرداخت نشده است فی الواقع تعیین مجازات برای حسن نیت بدهکاری است که قادر به تأدیه دین حال خودنیست و یا اینکه هست ولی با دارنده چک توافق نموده است که در زمانی دیگر آنرا پرداخت نماید، ولی دارنده به این حسن نیت و اعتماد او خیانت می نماید و چک را قبل از موعد مقرر به بانک ارائه نموده پس از اخذ گواهی عدم پرداخت علیه صادرکننده شکایت کیفری می نماید. اما باید دانست که دارنده چک قبل از آنکه عملی را برخلاف عدل و انصاف انجام دهد حق قانونی خود را اعمال کرده است. قسانونگذار چک در سال ۱۳۵۵ با بیان مواردی در ماده ۱۲ خود از آن جمله چک بدون تاریخ، آنها را واجد وصف کیفری نمی دانست. در زمان حکومت ماده فوق الذکر این موارد از جهات صدور قرار منع تعقیب بدلیل جرم نبودن عمل محسوب می گردید. قانونگذار اسلامی در جریان اصلاحات سال ۱۳۷۲ پس از بیان حکم در مورد دیگر شقوق مصرح در ماده و جرم دانستن آنها از چک بدون تاریخ ذکر به عمل نمی آورد. بنابراین نظر به صراحت ماده ۱۳ جانشین و سکوت در مقام بیان و این که نمی توان موردی را بدون حکم صریح قانون جرم تلقی کرد و اینکه ماده ۱۲ موصوف صراحتاً توسط ماده ۱۳ جانشینی نسخ شده است، اولاً صدور چنین چکی جرم نخواهد بود، ثانیاً به ماده ۱۲ فوق الاشعار به جهت نسخ صریح آن محلی از اعراب نخواهد داشت. (۱۰)

۵- وسیله

اصولاً تأثیر وسیله می تواند به یکی از صور ذیل باشد: گاه وسیله در تحقیق جرم بی تأثیر است همانند قتل. گاه نیز وسیله مؤثر در میزان تشدید مجازات می باشد همانند تخریب، آماربرخی دیگر از جرایم وسیله به

خصوص شرط تحقق جرم است.

جرم صدور چک پرداخت نشدنی بابه تعبیری کلاهبرداری به وسیله چک از جرایمی می باشد که وسیله «چک» شرط تحقق جرم می باشد. توضیح مجدد این که هر چکی نمی تواند وسیله ارتکاب این جرم باشد و صرفاً چک عادی است که کلاهبرداری به وسیله آن جرم صدور چک پرداخت نشدنی را محقق می گرداند. مع الوصف به لحاظ وحدت موضوع و وسیله در این جرم اگر وسیله را در تحقیق جرم بی تأثیر بدانیم چندان بعید نخواهد بود.

۶- نتیجه (شروع و اتمام جرم):

در برخی جرایم حصول نتیجه شرط در تحقق جرم است که اصطلاحاً به این گونه جرایم «جرایم مقید» گفته می شود. همانند قتل و کلاهبرداری که سلب حیات و بردن مال غیر، شرط در تحقق این عناوین مجرمانه است. در جرایم مذکور عدم تحقق نتیجه حسب مورد ممکن است جرایم دیگری مانند شروع به کلاهبرداری یا ایراد ضرب و جرح را محقق گرداند. جرایم دیگری نیز وجود دارند که حصول نتیجه شرط در تحقق جرم نمی باشد. در این دسته که «جرایم مطلق» نامیده می شوند حصول یا عدم حصول نتیجه بی تأثیر است. جرم سم دادن در قانون فرانسه بهترین مثال در این مورد است. آیا جرم صدور چک پرداخت نشدنی مقید است یا مطلق؟ با توجه به مطالب ذکر شده در فوق و اینکه این جرم را کلاهبرداری به وسیله چک دانستیم، روشن است که جرم موصوف جزو دسته نخست بوده و نتیجه بردن مال غیر و اضرار او که به صورت عدم پرداخت جلوه می کند شرط در تحقق جرم است. نتیجه جرم یعنی ضرر، محتوم و مفروض است چرا که وجود چک در دست دارنده و گواهینامه عدم پرداخت بانک ظهور بر مدیونیت صادرکننده دارد و دلیل ضرر است. از این رو شباهت زیادی با جرایم مطلق دارد. عدم پرداخت نتیجه جزء نمی باشد زیرا توسط شخص ثالث (بانک) صورت می گیرد. نتیجه همان ضرر است و عدم پرداخت دلیل و قرینه آن است.

سوالی که مطرح می شود این است که زمان تحقق جرم چه موقع می باشد؟ آیا عدم پرداخت توسط بانک محال علیه شرط تعقیب جرم و کاشف از وقوع بزه در زمان اصدار است؟ یا اینکه عدم پرداخت کاشف نبوده بلکه رکن

ثانی در تحقق جرم است که استثنائاً توسط ثالث صورت می گیرد؟ جواب سؤالات فوق قبلاً داده شده است و چنانکه گفتیم عدم پرداخت بانک شرط اضافی مؤثر در تحقق جرم است. بنابراین زمان تحقق جرم زمان عدم پرداخت می باشد.

شایان ذکر است که برخلاف حقوق ایران که در مورد چک گواهینامه عدم پرداخت جانشین پروتست شده است، در فرانسه گواهینامه بانک به هیچ وجه جانشین پروتست نشده است و اعتراض یا پروتست تنها وسیله ای است (۱۱) که می توان از آن طریق بر علیه ظهرنویسان چک اقامه دعوی نمود (۱۲). با این وجود تعقیب کیفری صادرکننده با گواهینامه بانک نیز امکان پذیر است.

- ۱- سید عباس جزایری فارسانی، نگرشی بر قانون چک و تحولات اخیر آن، انتشارات ایل ۱۳۷۵ - ص ۵۹
- ۲- علی آزمایش، تفریبات درسی حقوق کیفری اختصاصی دانشکده حقوق دانشگاه تهران ۱۳۷۲
- ۳- سید عباس جزایری فارسانی «جابجا، چکهای نوظهور در حقوق ایران» روزنامه سلام ۲۰ اسفند ۱۳۷۵ ص ۹
- ۴- علی آزمایش، همان
- ۵- محمود عرفانی «حرف مجازات چک بدون محل، روزنامه اطلاعات ۱۱ بهمن ۱۳۷۵ ص ۱۱
- ۶- به طور کلی در اکثر موارد، جرم محتاج به عمل خارجی انسان به صورت فعل یا ترک فعل است. از این رو مراحل ارتکاب جرم تصمیم گیری جرم محسوب نمی شود و صرف داشتن عقیده یا فکر خاص مجرمانه نیست معذراً ترویج این فکر و یا روند گذر از مرحله اندیشه به عمل جرم محسوب است بعضاً نیز قانونگذار داشتن خصوصیت وضعیت و یا حالتی جرم می داند مانند گدایی و اعتیاد. در برخی موارد نیز داشتن یا نگهداشتن چیزی جرم است مانند داشتن یا نگهداری سلاح غیر مجاز.
- ۷- سید عباس جزایری فارسانی، نگرشی بر قانون چک و تحولات اخیر آن، ص ۶۷
- ۸- ایرج گلدرزیان حقوق جزای اختصاصی، جلد اول، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲ ص ۲۱۰
- ۹- حسن داهبان تفریبات درسی آئین دادرسی کیفری، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۳۷۵
- ۱۰- سید عباس جزایری فارسانی، همان ص ۶۹
- ۱۱- علی آزمایش، همان
- ۱۲- Attestanon de rejet